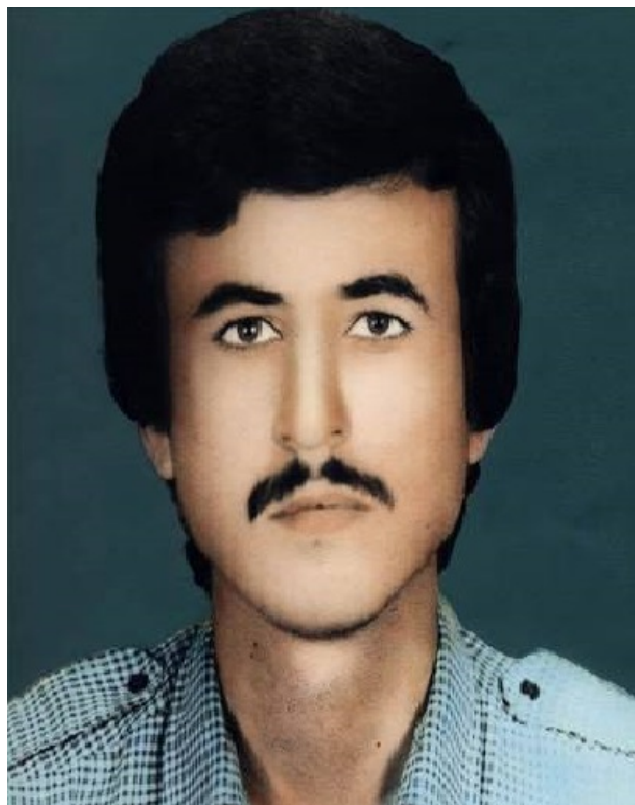


شهيد نعمت الله شجاعى



ازبائىرى
سامانه جامع سرداران و هزار شهيد استان بوشهر

نام پدر	حسنعلی
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۶/۰۳
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۳/۱۳
محل شهادت	آذربایجان غربی
مسئولیت	فرمانده پاسگاه
نوع عضویت	کادر نیروی انتظامی
شغل	کادر نیرو انتظامی
تحصیلات	دیپلم
مدفن	بrazجان

زندگینامه

روستای زیارت صدای قدمهایش را در قاب لحظه ها به تماشا گذاشته است. او را نعمت الله صدا می زدند و این نامی بود که مادرش برایش انتخاب کرده بود ، زیرا چند فرزندش در بدو تولد مرده بودند. اکنون به سن مدرسه رسیده است و پا به میدان علم و دانش گذاشته است. دبستانش سرشار از شور و شوق کودکی بود که موفق از آزمون این دوره بیرون آمده است. دوران راهنمایی و سپس دبیرستان را نیز با موفقیت به پایان می رساند و موفق به اخذ دیپلم می گردد. در سال ۱۳۶۵ به مناطق عملیاتی اعزام و پس از مراجعت در امتحانات ورودی نیروی دریایی ارتش قبول شد که این موضوع مصادف با قبولیش در ژاندارمری نیز گردید. بر سر این دو راهی ژاندارمری را پذیرفت و جهت آموزش عزیمت نمود. پس از پایان آموزش با درجه استوار یکم فارغ التحصیل شد و جهت ادامه خدمت به بوکان در استان کردستان – اعزام گردید و به عنوان یکی از فرماندهان پاسگاه آن شهرستان اقدام به خدمت نمود و سرانجام در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۶۷ بر اثر اصابت تیر به دست افراد ناشناس در محل پاسگاه به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

خاطرات

«کردستان او را به یاد می آورد»

از طریق بسیج اعزام شد. محل خدمتش در کردستان شهر بوکان در کوه بود. فرمانده پاسگاه بود که شب هنگام با اصابت گلوله به سرش به شهادت می رسد. در حالی که ۲۲ سال بیشتر نداشت در ب مغازه بودم که یک نفر آمد و گفت که پسر شهید شده است.

زمان انقلاب خیابان ها را جارو می کرد و سنگ ها را جمع می کرد. شب ها به بسیج می رفت و روزها به بنایی می پرداخت و دست مزد خود را به بسیج می داد. وقتی دیپلم خود را گرفت به ژاندارمری رفته شبی که به شهادت رسید در خواب دیدم کبوتری که روی شانه هایش چغیه انداخته بود به خانه آمد بعد از مدتی پر زد و رفت. نعمت الله فرزند دوم خانواده بود و همیشه دلش می خواست به جبهه برود و شهید شود و می گفت من بهتر از دوستانی که شهید شده اند نیستم. موقع اعزام چون سنش کم بود فتوکپی شناسنامه شخص دیگری را گرفت و به جبهه رفت. محل تولدش بنار آبشیرین بود. دیپلم خود را در مدرسه شهید بهشتی گرفت. دوستان وی همگی شهید شده اند. یکی از دوستان شهید سید اکبر زاهدی بود که سوخته عبدالله شبانکاره مجروح شد و پایش قطع شد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران